

رابطه سبک های هویت و خودکارآمدپنداری فردی و جمعی:  
مقایسه دانش آموزان پسر دبیرستانی ایرانی و افغانی ساکن قم

**Relationship between identity styles and self-efficacy beliefs personal and collective: Comparison of Iranian and Afghanian high school boys in Qom**

**S. Abdi zarrin:** Ph.D Student of Career counseling of  
E-mail : [s.abdi@edu.ui.ac.ir](mailto:s.abdi@edu.ui.ac.ir) Isfahan Uni.

**N. Adibrad, ph.D:** Assistant Professor of Shahid  
Beheshti Uni.

**Seied J. younesi, ph.D:** Assistant Professor of Welfare  
& Rehabilitation sciences Uni.

**A. Asgary:** Ph.D of Educational psychology

سهراب عبدی زرین: دانشجوی دکتری مشاوره شغلی دانشگاه اصفهان

نسترن ادیب راد: استادیار دانشگاه شهید بهشتی

سید جلال یونسسی: استادیار دانشگاه علوم بهزیستی و توانبخشی تهران

علی عسگری: دکتری روان شناسی تربیتی

**Abstract:** The aim of this study was to investigate the relationship between identity styles and self-efficacy beliefs personal and collective among Iranian and Afghanian high school student boys in Qom city. Subjects were selected through cluster sampling from high school students of Qom city. They were 231 Iranian and 132 Afghanian high school boys. We used Berzonsky's Identity Styles Inventory (1989), Bandura's Personal Self-efficacy Beliefs (1997) and Kim and Park Collective Self-efficacy Beliefs Questionnaire (1999). Results showed that there is a significant relationship between informative identity style and normative identity style with personal self-efficacy beliefs and collective self-efficacy beliefs. Significant negative relationship was observed between confused identity style and identity commitment. That is, the higher the score of the subjects on confused identity style, the less his score on identity commitment. Compared to Iranian high school boys the correlation informative identity style with collective self-efficacy beliefs and normative identity style with personal self-efficacy beliefs and collective self-efficacy beliefs was higher among Afghan high school boys.

**Key words:** afghanian-Iranian, collective, high school boys, identity style, personal, self-efficacy beliefs

چکیده: هدف از پژوهش حاضر تعیین رابطه سبک های هویت و خودکارآمدپنداری و مقایسه آن در دانش آموزان پسر دبیرستانی ایرانی و افغانی ساکن قم است. جامعه مورد مطالعه شامل ۱۶۸۱۳ دانش آموز پسر دبیرستانی شهر قم و نمونه مورد مطالعه شامل ۲۳۱ دانش آموز پسر دبیرستانی ایرانی و ۱۳۲ دانش آموز پسر دبیرستانی افغانی بود که با استفاده از نمونه گیری خوشه‌ای چند مرحله‌ای مورد مطالعه قرار گرفت. ابزار پژوهش آزمون سبک های هویت برزونسکی (۱۹۸۹)، پرسشنامه خودکارآمدپنداری فردی بندورا (۱۹۹۷) و پرسشنامه خودکارآمدپنداری جمعی کیم و پارک (۱۹۹۹) بود. داده ها با آزمون-های همبستگی پیرسون و Z فیشر تحلیل شد. نتایج در سطح ۰/۰۵، اطمینان نشان داد که رابطه بین سبک هویت اطلاعاتی و سبک هویت هنجاری با خودکارآمدپنداری فردی و جمعی و نیز رابطه دو متغیر اخیر در دو گروه مستقیم و معنادار است. همچنین رابطه سبک هویت اطلاعاتی و هنجاری با خودکارآمدپنداری فردی و جمعی در دو گروه مستقیم و معنادار بود. از طرفی رابطه سبک هویت سردرگم و تعهد هویت در سطح ۰/۰۵، اطمینان منفی و معنادار بود. یعنی هر چه نمرات افراد در سبک سردرگم بیشتر باشد نمرات آن ها در تعهد هویت پایین تر می شود. همبستگی بین سبک هویت اطلاعاتی با خودکارآمدپنداری جمعی و سبک هویت هنجاری با خودکارآمدپنداری فردی و جمعی در دانش آموزان افغانی قوی تر از دانش آموزان ایرانی بود.

**کلید واژه‌ها:** افغانی، ایرانی، جمعی، خودکارآمدپنداری، دانش

آموزان پسر دبیرستانی، سبک هویت، فردی

## مقدمه

ورود به دوره نوجوانی<sup>۱</sup> با تغییرات مهمی از جمله بلوغ<sup>۲</sup> جنسی، روابط صمیمانه با همسالان، خطر کردن و توانایی های جدید شناختی همراه است. این تغییرات انبوه، نوجوانان را وادار می سازد که به یگانگی و ثبات در تعریف خود بیندیشند و به دنبال آن باشند تا هویت<sup>۳</sup> خود را شکل دهند (برگر<sup>۴</sup>، ۲۰۰۱). "هویت عبارت است از احساس نیاز به جدا بودن از دیگران". این نیاز تنها نیاز اساسی انسان است که همه مردم و در همه فرهنگ ها از بدو تولد تا مرگ آن را دارند (گلاسر<sup>۵</sup>، ۱۳۸۰).

برای اولین بار موضوع هویت به صورت دقیق توسط اریکسون<sup>۶</sup> در سال ۱۹۵۰ مطرح شد (رحیمی نژاد، ۱۳۷۹). اریکسون «وحدت هویت<sup>۷</sup>» و «بحران هویت<sup>۸</sup>» را تعارض عمده دوران نوجوانی می داند (شولتز و شولتز، ۱۳۸۳). به عقیده اریکسون، نوجوانی دوران هویت یابی است و هویت عبارت است از "یک احساس نسبتاً پایدار از یگانگی خود". عده ای هویت را دارای سه کارکرد اساسی می دانند: افزایش توان گزینشی، ایجاد امکان ارتباط با دیگران، نیرو بخشی و انعطاف پذیری انسان (سجادی، ۱۳۸۴).

نتایج مطالعات در رشد هویت تفاوت های فردی مهمی را در رفتار و ویژگی های فردی بین دانش آموزان دبیرستانی آشکار ساخته است. این یافته ها نشان می دهند که دانش آموزانی که در اندازه گیری هویت نمره بالای میانگین می آورند، قابل اعتمادتر، سازگارتر، خودپذیرتر، و از لحاظ فردیتی منسجم تر از دانش آموزانی هستند که نمرات هویت آن ها پایین تر از حد متوسط است (شهرآرای، ۱۳۸۴).

برزونسکی و کالک<sup>۹</sup> (۲۰۰۰) با بررسی زیربناهای شناختی-اجتماعی برای تعیین وضعیت وضعیت سبک های هویت<sup>۱۰</sup>، سه سبک اطلاعاتی<sup>۱۱</sup>، هنجاری<sup>۱۲</sup> و سردرگم/اجتنابی<sup>۱۳</sup> را فرض نمود این سبک ها در واقع شیوه های شناختی-اجتماعی برای پردازش اطلاعات مرتبط با خود هستند.

1. Adolescence
2. Puberty
3. Identity
4. Berger
5. Glasser
6. Erickson
7. Identity integration
8. Identity crisis
9. Berzonsky & Kulk
10. Identity styles
11. Informational style
12. Normative style
13. Diffuse / Avoidant style

**سبک اطلاعاتی:** ظاهراً سازگارانه‌ترین سبک و ساز و کار کنار آمدن برای اداره موقعیت‌های روزانه است. افراد با سبک هویت اطلاعاتی، به صورت فعال و آگاهانه به جستجوی اطلاعات و ارزیابی آن‌ها می‌پردازند و سپس اطلاعات مناسب را مورد استفاده قرار می‌دهند (برزونسکی، ۱۹۹۰). جهت‌گیری هویت اطلاعاتی با تعمق در باره خود، تلاش‌های مقابله‌ای مسئله‌مدار، سبک معرفتی منطقی، احساس نیاز به شناخت، پیچیدگی شناختی، تصمیم‌گیری هدفمند، وظیفه‌شناسی، پذیرش و هویت موفق رابطه مثبت نشان می‌دهد (برزونسکی و کالک، ۲۰۰۰).

**سبک هنجاری:** بر پایه تقلید و پیروی از افراد مهم در زندگی فرد بنا شده است و شامل یک دیدگاه بسته ذهنی و خودپنداری ثابت و سرکوب‌کننده اکتشاف است. این روش بسیار نزدیک به وضعیت تفویض اختیار ماریتاس است. نوجوانان با سبک هویت هنجاری، نسبت به موضوعات هویتی و تصمیم‌گیری‌ها به هم‌نواپی<sup>۱</sup> با انتظارات و دستورات افراد مهم و گروه‌های مرجع می‌پردازند. آن‌ها به طور خودکار، ارزش‌ها و عقاید را بدون ارزیابی آگاهانه می‌پذیرند و درونی می‌کنند؛ تحمل کمی برای مواجه شدن با موقعیت‌های جدید و مبهم دارند و نیاز بالایی برای بسته نگه داشتن ساختار خود نشان می‌دهند (برزونسکی، ۱۹۹۲).

**سبک سردرگم/اجتنابی:** نماد برخورد طفره‌آمیز در مشکلات با راهبردهای متمرکز بر هیجان که با سطح پایینی از تعهد و اعتماد به نفس و نیز بی‌ثباتی خودپنداری همراه است. افراد با سبک هویت سردرگم-اجتنابی، تعلل و درنگ می‌کنند و تا حد ممکن سعی در اجتناب از پرداختن به موضوعات هویت و تصمیم‌گیری دارند (برزونسکی، ۱۹۹۰). در موقعیت‌های تصمیم‌گیری، آن‌ها ضمن اطمینان کمی که به توانایی شناختی خود دارند، معمولاً پیش از تصمیم‌گیری، احساس ترس و اضطراب نیز دارند و در تصمیم‌گیری معمولاً از راهبردهای تصمیم‌گیری نامناسب مانند اجتناب کردن، بهانه آوردن و دلیل تراشی استفاده می‌کنند (برزونسکی و فراری<sup>۲</sup>، ۱۹۹۶؛ نقل از حجازی و فرتاش، ۱۳۸۵).

تعهد<sup>۳</sup>، یک چارچوب ارجاعی از ارزش‌ها و باورهاست که ممکن است خودساخته یا تجویز شده از جانب دیگران باشد (برزونسکی، ۲۰۰۴). تعهد بر مبنای فرایند تصمیم‌گیری شامل اتخاذ نظر، انتخاب و رد کردن قرار دارد. "تعهد عبارت است از تثبیت و اتخاذ تصمیم‌هایی نسبتاً بادوام و سرمایه‌گذاری شخصی در مورد این تصمیم‌ها" (بورن<sup>۴</sup>، ۱۹۸۷؛ به نقل از جوادی، ۱۳۸۷).

- 1 . conforming
- 2 . Ferrari
- 3 . commitment
- 4 . Boren

رابطه سبک های هویت و خودکارآمدپنداری فردی و جمعی:...

پژوهش های چا<sup>۱</sup>، ۲۰۰۲ (نقل از حسین نژاد، ۱۳۸۵) در زمینه تعلق به گروه های قومی و اقلیت ها، اشاره به تفاوت هایی در جریان شکل گیری هویت، بین افراد متعلق به آن قومیت و هم گروه های اقلیت و قومی با گروه اکثریت دارد. البته مسئله قومیت ها بر عکس متغیرهای دیگر در بین پژوهش ها جایگاه کمتری به خود اختصاص داده است.

نتایج مطالعه فینی<sup>۲</sup>، ۱۹۹۰ (نقل از رحیمی نژاد، ۱۳۷۹) در مورد ۱۲۳۸۶ نوجوانان در سه گروه نشان داد آمریکایی های سفیدپوست در پایین ترین، سیاه پوستان و اسپانیایی زبان ها از بالاترین و آسیایی ها در حد متوسط از هویت قومی برخوردارند. دیگر یافته این بود که هرچه سطح هویت قومی افزایش می یافت به همان نسبت سطح حرمت خود، هدف زندگی و خودکارآمدپنداری تحصیلی بالاتر می رفت. گروه های اقلیت که در اثر مهاجرت ها و پناهندگی به وجود می آیند گروه هایی هستند که چهره جسمانی و عادات فرهنگی آنان برخلاف گروه غالب است و این امر موجب برخورد نابرابر و متفاوت با آنان می شود که رفتار و برخورد نابرابر عنصر اساسی در مفهوم جامعه شناختی گروه اقلیت است (کوئن، ۱۳۷۹).

پناهندگان افغانی نزدیک به دو پنجم جمعیت پناهنده دنیا را تشکیل می دهند و شمار آن ها پنج میلیون نفر است. نزدیک به سه میلیون افغانی در پاکستان و دو و نیم میلیون از این افراد در ایران سکنی گزیده اند (نظری تاج آبادی، ۱۳۷۹). پدیده مهاجرت مردم افغانستان به کشورهای همسایه، به ویژه ایران، یکی از شکل های مهاجرت بین المللی است که در دهه های اخیر، روند صعودی داشته است. این نوع مهاجرت از نظر عوامل اجتماعی، سیاسی و اقتصادی متعدّد قابل توجه است (جمشیدی ها و عنبری، ۱۳۸۳).

به هر حال در بسیاری از موارد، ارزش های فرهنگی منتقل شده از کشور اصلی، برای خود بوم گزینان به قدر کافی قوی است و زد و خوردها و کشمکش های ناشی از عدم ادغام فرهنگی و جنایت با شدت بیشتر در نسل دوم ظاهر می شود. فرزندان از دو جهت تحت تاثیر قرار می گیرند، آن چه در مدرسه و خارج از خانه فرا می گیرند اغلب در تضاد با آن چیزی است که در محیط خانواده می آموزند. در نتیجه این نسل، کمتر از والدین خود پیرو قانون می شوند. میزان خودکشی ها و بیماری های روانی، در بین بوم گزینان بیشتر از جمعیت بومی است. به عنوان مثال ذکر شده است که در سوئد بوم گزینان، هویت ملی کشور و نیز تعادل اجتماعی، سیاسی و مذهبی داخلی آن را در معرض خطر قرار داده اند (وحیدی، ۱۳۸۴).

---

1. Chae

2. Feni

پژوهش واترمن<sup>۱</sup>، ۱۹۹۷ (نقل از شهرآرای، ۱۳۸۴) به طور ثابتی ارتباط روشنی را بین حالات پیشرفته‌تر هویت با سطح رشد خود، عملیات صوری، استدلال اخلاقی و خودکارآمد پنداری<sup>۲</sup> نشان داده است. از نظر بندورا<sup>۳</sup> (۱۹۸۰) خودکارآمد پنداری مشخص می‌کند که انسان‌ها چگونه در خود ایجاد انگیزه می‌کنند، و چگونه احساس، فکر و رفتار می‌کنند. خودکارآمد پنداری بالا، روی فرایندهای پایه شناختی، انگیزش، هیجان و فرایندهای گزینشی آنان اثر می‌گذارد. این که ما معیارهای رفتارمان را تا چه اندازه ای درست برآورد کرده باشیم، خودکارآمد پنداری ما را تعیین می‌کند.

خودکارآمد پنداری به این معنی است که شخص تصور کند قادر است پدیده‌ها و رویدادها را به منظور رسیدن به وضعیت مطلوب خود، با رفتار و کردار مناسب سازمان دهد. خودکارآمد پنداری به دو بخش یعنی خودکارآمد پنداری فردی<sup>۴</sup> و خودکارآمد پنداری جمعی<sup>۵</sup> تقسیم می‌شود (بندورا، ۲۰۰۲). از آن جا که افراد هم به صورت فردی و هم جمعی عمل می‌کنند، خودکارآمد پنداری می‌تواند هم در سطح فردی و هم جمعی مفهوم سازی شود. خودکارآمد پنداری جمعی، ادراک‌های مشترک اعضای گروه را نشان می‌دهد که با قابلیت عملکرد نظام اجتماعی به عنوان یک کل و با تکالیف گروهی، تلاش‌ها و افکار مشترک اعضای گروه و پیشرفت گروه‌ها مرتبط است (بندورا، ۱۹۹۷).

در خودکارآمد پنداری جمعی از شرایط و قرارگاه‌های تربیتی مانند خانواده و محیط‌های آموزشی و گروه همسالان تاثیر می‌پذیرد (کیم و پارک<sup>۶</sup>، ۱۹۹۹؛ نقل از مرتضوی، ۱۳۸۳). از جمله عوامل تاثیرگذار بر خودکارآمد پنداری عوامل فرهنگی است. چنانچه مرتضوی (۱۳۸۰) عنوان می‌کند تاثیر فرهنگ در خودکارآمد پنداری قابل توجه است زیرا خانواده، مدرسه، شغل در مقایسه با نظام فراگیر فرهنگی، نظام‌های خردتر محسوب می‌شوند و از آن تاثیر می‌پذیرند. تاثیر متقابل فرهنگ به عنوان نظام فراگیر از یکسو و نظام‌های خردتر مانند خانواده، مدرسه و نیز نظام‌های شغلی از سوی دیگر نابرابر است و نظام‌های کلان نظام‌های خردتر را بیشتر تحت تاثیر قرار می‌دهند تا بر عکس. از این دیدگاه لازم است در پژوهش ساختارهای روان شناختی به تاثیر عامل فرهنگ توجه شود.

با توجه به این که گروه‌های اقلیت بودن، و زمینه‌های اجتماعی و فرهنگی بر شکل‌گیری هویت تاثیر گذارند، و هم چنین این عوامل با خودکارآمد پنداری فردی و جمعی در رابطه اند. سوال اساسی پژوهش این است که: با توجه به این که دانش‌آموزان دبیرستانی افغانستانی که مهاجر بین‌المللی بوده و از گروه اقلیت جامعه به شمار می‌آیند در قیاس با هم‌تایان ایرانی در رابطه با سبک‌های هویت و

1. Waterman
2. Self-efficacy belief
3. Bandura
4. Personal self-efficacy belief
5. Collective self-efficacy belief
6. Kim & Park

رابطه سبک های هویت و خودکارآمدپنداری فردی و جمعی...

خودکارآمدپنداری فردی و جمعی در چه وضعیتی قرار دارند؟ که این سؤال منجر به طرح فرضیه های پژوهش گردید.

۱- رابطه سبک های هویت اطلاعاتی و هنجاری با خودکارآمدپنداری فردی و جمعی در هر دو گروه مستقیم است.

۲- رابطه سبک های هویت اطلاعاتی و هنجاری با تعهد هویت مستقیم است.

۳- رابطه سبک هویت سردرگم با خودکارآمدپنداری فردی و جمعی و تعهد هویت منفی است.

۴- تفاوت رابطه بین سبک های هویت و خودکارآمدپنداری فردی و جمعی در دو گروه معنادار است.

## روش

### جامعه، نمونه و روش نمونه گیری

جامعه آماری شامل ۱۶۸۱۳ دانش آموز پسر ایرانی و افغانی دبیرستان های قم در سال تحصیلی ۸۷-۱۳۸۶ بود. تعداد کل نمونه های انتخاب شده ۳۶۳ نفر که از این تعداد ۲۶۱ دانش آموز ایرانی و ۱۳۲ دانش آموز افغانی بود. این نمونه ها به صورت نمونه گیری خوشه ای چند مرحله ای انتخاب شدند. به این صورت که از چهار منطقه موجود در قم، دو منطقه و از هر منطقه نیز دو مدرسه انتخاب شد، و در مرحله بعدی از هر مدرسه چند کلاس مورد مطالعه قرار گرفت.

## ابزار پژوهش

**الف- پرسشنامه سبک های هویت<sup>۱</sup>.** این پرسشنامه، سه سبک هویت را که شامل سبک های اطلاعاتی، هنجاری و سردرگم/اجتنابی است، ارزیابی می کند و بعد چهارم آن را که تعهد هویت است. برای اولین بار به وسیله برزونسکی (۱۹۸۹) ساخته شد و سپس دوباره توسط خود او تجدید نظر شد. این پرسشنامه ۴۰ سوال دارد که ۱۱ سوال در ارتباط با سبک هویت اطلاعاتی، ۱۰ سوال آن در ارتباط با سبک هویت سردرگم/اجتنابی و ۹ سوال آن مربوط به سبک هویت هنجاری است. علاوه بر سه سبک هویت، ۱۰ سوال نیز در ارتباط با تعهد هویت است که از آن برای تحلیل ثانویه استفاده می شود و سبک هویتی محسوب نمی شود. پاسخ ها بر اساس مقیاس لیکرت ۵ درجه ای تنظیم شده است (نقل از میرزاجانی، ۱۳۸۶).

برزونسکی (۱۹۹۲) آلفای کرونباخ ۰/۶۲ را برای سبک هویت اطلاعاتی و ۰/۶۶ را برای سبک هویت هنجاری و ۰/۷۳ را برای سبک هویت سردرگم/اجتنابی گزارش کرد. فارسی نژاد (۱۳۸۳) آلفای کرونباخ

---

1. Identity Styles inventory (ISI-6G)

۰/۷۷ را برای سبک هویت اطلاعاتی، ۰/۶۰ را برای سبک هویت هنجاری، ۰/۶۶ را برای سبک هویت سردرگم/اجتنابی و ۰/۶۸ را برای تعهد هویت به دست آورد (میرزاجانی، ۱۳۸۶).

**ب- پرسشنامه خودکارآمدپنداری فردی.** پرسشنامه خودکارآمدپنداری فردی بندورا (۱۹۹۷) ۴۲ گویه دارد، و در آن از یک مقیاس ۷ درجه ای از (خیلی کم = ۱، تا خیلی زیاد = ۷) استفاده می شود. ضریب آلفای کرونباخ در پژوهش مرتضوی (۱۳۸۳) از مجموع داده های ایرانی (۸۹۵ نمونه) ۰/۹۲، خاکسار (۱۳۸۴) ۰/۹۳ و احمدیان (۱۳۸۵) ۰/۸۷ گزارش شده است. این ضریب در نمونه های خارجی (غربی و کره ای) بین ۰/۸۳ تا ۰/۹۲ گزارش شده است. روایی این آزمون توسط مرتضوی (۱۳۸۳) از طریق تحلیل عوامل داده های ۸۹۵ نفر از دانش آموزان و نیز ترجمه به فارسی و برگرداندن ترجمه به انگلیسی مورد تایید قرار گرفته است.

**ج- پرسشنامه خودکارآمدپنداری جمعی.** پرسشنامه خودکارآمدپنداری جمعی کیم و پارک (۱۹۹۹) ۱۳ گویه دارد، و در آن همانند پرسشنامه خودکارآمدپنداری فردی از یک مقیاس هفت درجه ای (خیلی کم = ۱، متوسط = ۴، تا خیلی زیاد = ۷) استفاده می شود. این پرسشنامه برای جامعه ایرانی توسط مرتضوی (۱۳۸۳) هنجاریابی شد، که ضریب آلفای کرونباخ آن از مجموع داده های ایرانی (۸۹۵ نمونه) ۰/۸۳، توسط خاکسار (۱۳۸۴) ۰/۸۱ و توسط احمدیان (۱۳۸۵) برای نمونه های خارجی (غربی و کره ای) ۰/۸۴ گزارش کرده است. روایی این آزمون توسط مرتضوی (۱۳۸۳) از طریق تحلیل عوامل داده های ۸۹۵ نفر از دانش آموزان مورد تایید قرار گرفته است.

## یافته ها

در این بخش ابتدا در جدول ۱ اطلاعات مربوط به سال و رشته تحصیلی کل دانش آموزان و هم چنین دانش آموزان ایرانی و افغانی به تفکیک ارائه می شود. در جدول ۱ برای مقایسه بهتر دو گروه اطلاعات به صورت فراوانی و درصد نمایش داده شده است.

جدول ۱. اطلاعات مربوط به سال تحصیلی و رشته تحصیلی دانش آموزان ایرانی و افغانی

افغانی		ایرانی		کل دانش آموزان		سال تحصیلی
درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	
۲۷/۳	۳۶	۴۸	۱۱۲	۴۰/۸	۱۴۸	اول
۳۷/۹	۵۰	۲۶/۸	۶۲	۳۰/۹	۱۱۲	دوم
۳۴/۸	۴۶	۲۴/۷	۵۷	۲۸/۴	۱۰۳	سوم
۱۰۰	۱۳۲	۱۰۰	۲۳۱	۱۰۰	۳۶۳	جمع
<b>رشته تحصیلی</b>						
۲۷/۳	۳۶	۴۸/۵	۱۱۲	۴۰/۸	۱۴۸	اول
۲۵	۳۳	۱۹/۹	۴۶	۲۱/۸	۷۹	ریاضی
۲۸/۸	۳۸	۱۱/۳	۲۶	۱۷/۶	۶۴	تجربی
۱۸/۹	۲۵	۲۰/۳	۴۷	۱۹/۸	۷۲	انسانی
۱۰۰	۱۳۲	۱۰۰	۲۳۱	۱۰۰	۳۶۳	جمع

جدول ۲. ضرایب همبستگی متقابل سبک های هویت، خودکارآمدپنداری فردی و جمعی در دانش آموزان ایرانی

خ.جمعی	خ.فردی	تعهد هویت	س.سردرگم	س.هنجاری	س.اطلاعاتی	انحراف معیار	میانگین	
					۱	۶/۰۷	۴۱/۲۲	س.اطلاعاتی
				۱	۰/۴۲۳**	۴/۸۳	۳۵/۵۷	س.هنجاری
			۱	۰/۲۱۳**	۰/۱۱۷	۷/۱۲	۲۹	س.سردرگم
		۱	-۰/۱۳۵*	۰/۰۶۵	۰/۰۳۴	۳/۶۲	۳۳/۱۴	تعهد هویت
	۱	۰/۱۱۹	-۰/۰۹۲	۰/۲۱۹**	۰/۲۸۷**	۳۳/۵۳	۱۹۴/۸۶	خ.فردی
۱	۰/۷۱۹**	۰/۰۷۹	-۰/۱۳۰	۰/۲۱۰**	۰/۲۵۶**	۱۱/۴۸	۶۴/۷۱	خ.جمعی

\*  $p \leq 0.05$

\*\*  $p \leq 0.01$

س = سبک خ = خودکارآمدپنداری

جدول ۲ نشان می دهد بالاترین میزان همبستگی در دانش آموزان ایرانی بین دو سبک اطلاعاتی و هنجاری است که هر دو از سبک های موفق به حساب می آیند. در سطح کمتر از ۰/۰۱. رابطه این دو سبک با خودکارآمدپنداری فردی و جمعی، و نیز رابطه سبک هنجاری با سبک سردرگم معنادار و مستقیم است. کمترین میزان تعهد هویت در سبک سردرگم است که در سطح کمتر از ۰/۰۵. بین آن دو رابطه منفی و معنادار است. ضریب همبستگی بین دو متغیر خودکارآمدپنداری فردی و جمعی در سطح کمتر از ۰/۰۱. معنادار است. بنابراین می توان نتیجه گرفت هر چه میزان خودکارآمدپنداری فردی بالاتر باشد میزان خودکارآمدپنداری جمعی هم بالاتر است.

جدول ۳. ضرایب همبستگی متقابل سبک های هویت، خودکارآمدپنداری فردی و جمعی در دانش آموزان افغانی

خ.جمعی	خ. فردی	تعهد هویت	س. سردرگم	س. هنجاری	س. اطلاعاتی	انحراف معیار	میانگین	
					۱	۶/۸۳	۴۱/۵۲	س. اطلاعاتی
				۱	۰/۴۳۰**	۵/۱۶	۳۵/۱۸	س. هنجاری
		۱	۱	۰/۱۶۳	۰/۱۰۶	۷/۲۸	۲۸/۵۵	س. سردرگم
	۱	۰/۳۷۳**	-۰/۱۳۷*	۰/۳۵۱**	۰/۱۴۷	۴/۰۶	۳۴/۰۳	تعهد هویت
	۰/۷۰۶**	۰/۳۴۰**	-۰/۰۵۲	۰/۴۵۳**	۰/۴۲۰**	۳۴/۳۶	۱۹۵/۲۰	خ. فردی
۱			-۰/۱۸۶	۰/۵۳۹**	۰/۴۷۴**	۱۲/۸۰	۶۳/۱۱	خ. جمعی

\*  $p \leq 0.05$

\*\*  $p \leq 0.01$

س = سبک = خودکارآمدپنداری

جدول ۳ نشان می دهد که در دانش آموزان افغانی بالاترین میزان همبستگی بین دو سبک اطلاعاتی و هنجاری است که رابطه این دو سبک با خودکارآمدپنداری فردی و جمعی در سطح کمتر از ۰/۱، مستقیم و معنادار است. بین تعهد هویت و سبک هنجاری در سطح کمتر از ۰/۱، همبستگی قوی مشاهده می شود، و بین تعهد هویت و سبک سردرگم در سطح کمتر از ۰/۰۵، همبستگی منفی است. همبستگی بین دو متغیر خودکارآمدپنداری فردی و جمعی در سطح کمتر از ۰/۱، معنادار است. در ادامه برای اینکه مشخص شدن تفاوت بین ضرایب همبستگی دو گروه دانش آموزان پسر دبیرستانی ایرانی و افغانی، از آزمون Z فیشر استفاده شد.

جدول ۴. نتایج آزمون Z فیشر در مورد مقایسه تفاوت همبستگی سبک هویت اطلاعاتی و خودکارآمدپنداری جمعی در دانش آموزان پسر دبیرستانی ایرانی و افغانی

دانش آموزان افغانی		دانش آموزان ایرانی		شاخص های توصیفی
خ. جمعی	سبک اطلاعاتی	خ. جمعی	سبک اطلاعاتی	
۶۳/۱۱	۴۱/۵۲	۶۴/۷۱	۴۱/۲۲	میانگین
۱۲/۸۰	۶/۸۳	۱۱/۴۸	۶/۰۷	انحراف استاندارد
	۱۳۲	۲۳۱		تعداد
	۰/۴۷۴	۰/۲۵۶		rxy
	۰/۵۱۶	۰/۲۶۲		Zr

با توجه به داده های جدول ۴ چون مقدار Z به دست آمده (-۲/۳۳) از Z جدول (۱/۹۶) بزرگ تر

رابطه سبک های هویت و خودکارآمدپنداری فردی و جمعی...

است بنابراین تفاوت رابطه بین سبک هویت اطلاعاتی و خودکارآمدپنداری جمعی در دانش آموزان ایرانی و افغانی معنادار است و رابطه بین سبک هویت اطلاعاتی و خودکارآمدپنداری جمعی در دانش آموزان افغانی قوی تر از همان رابطه در دانش آموزان ایرانی است.

چون مقدار Z به دست آمده (-۲/۴۴) در جدول ۵ از Z جدول (۱/۹۶) بزرگ تر است بنابراین تفاوت رابطه بین سبک هویت هنجاری و خودکارآمدپنداری فردی در دانش آموزان ایرانی و افغانی معنادار است و رابطه بین سبک هویت اطلاعاتی و خودکارآمدپنداری فردی در دانش آموزان افغانی قوی تر از همان رابطه در دانش آموزان ایرانی است.

جدول ۵. نتایج آزمون Z فیشر درمورد مقایسه تفاوت همبستگی سبک هویت هنجاری و خودکارآمدپنداری فردی در دانش آموزان پسر دبیرستانی ایرانی و افغانی

دانش آموزان افغانی		دانش آموزان ایرانی		
خ.فردی	سبک هنجاری	خ.فردی	سبک	شاخص های توصیفی هنجاری
۱۹۵/۲۰	۳۵/۱۸	۱۹۴/۸۶	۳۵/۵۷	میانگین
۳۴/۳۶	۵/۱۶	۳۳/۵۳	۴/۸۳	انحراف استاندارد
۱۳۲		۲۳۱		تعداد
.۴۵۳		.۲۱۹		rxy
.۴۸۹		.۲۲۳		Zr

جدول ۶. نتایج آزمون Z فیشر درمورد مقایسه تفاوت همبستگی سبک هویت هنجاری و خودکارآمدپنداری جمعی در دانش آموزان پسر دبیرستانی ایرانی و افغانی

دانش آموزان افغانی		دانش آموزان ایرانی		
خ.جمعی	سبک هنجاری	خ.جمعی	سبک هنجاری	شاخص های توصیفی
۶۳/۱۱	۳۵/۱۸	۶۴/۷۱	۳۵/۵۷	میانگین
۱۲/۸۰	۵/۱۶	۱۱/۴۸	۴/۸۳	انحراف استاندارد
		۱۳۲	۲۳۱	تعداد
		.۵۳۹	.۲۱۰	rxy
		.۶۰۳	.۲۱۳	Zr

چون مقدار Z به دست آمده (-۳/۵۷) در جدول ۶ از Z جدول (۱/۹۶) بزرگ تر است بنابراین تفاوت

رابطه بین سبک هویت هنجاری و خودکارآمدپنداری جمعی در دانش آموزان ایرانی و افغانی معنادار است و رابطه بین سبک هویت اطلاعاتی و خودکارآمدپنداری جمعی در دانش آموزان افغانی قوی تر از همان رابطه در دانش آموزان ایرانی است.

## بحث

در این بخش یافته های پژوهش با پژوهش های پیشین مقایسه و نتایج تبیین خواهد شد. همخوان با فرضیه اول این پژوهش بسیاری از پژوهش ها به رابطه مثبت بین خودکارآمدپنداری و عملکرد تحصیلی اشاره داشته اند. به عنوان مثال فارسی نژاد (۱۳۸۳)؛ نقل از حجازی، فارسی نژاد و عسگری، (۱۳۸۶). نشان داد که خودکارآمدپنداری با سبک هویت اطلاعاتی و هنجاری رابطه مثبت و با سبک هویت سردرگم/اجتنابی رابطه منفی دارد. به بیان دیگر سبک های هویت توانایی پیش بینی خودکارآمدپنداری تحصیلی را دارند

مشخص گردیده است وقتی سبک هویت هنجاری با یک باور نیرومند نسبت به توانایی ها (خودکارآمدپنداری) همراه باشد می تواند بر پیشرفت تحصیلی اثر بگذارد (دولینگر، ۱۹۹۵)؛ نقل از حجازی و همکاران، (۱۳۸۶). سبک های هویت چارچوبی برای عمل کردن فرد در محیط فراهم می-آورند و بیانگر نظریه ضمنی درباره خود هستند. بنابراین ملاحظه می شود که خودکارآمدپنداری جزئی از این نظریه ضمنی به حساب می آید (حجازی و همکاران، ۱۳۸۶).

نتایج مطالعه برزونسکی و کاک (۲۰۰۰) نشان داد که دانشجویان با سبک اطلاعاتی در مقایسه با دانشجویان با سبک های هویت هنجاری و سردرگم در مقیاس های خودمختاری تحصیلی، خودبستگی، مهارت های مدیریت موثر زندگی، احترام به افراد، تحمل افراد متفاوت از خود، ایجاد روابط صمیمانه، استقلال هیجانی و اعتماد به نفس نمرات بالاتری دارند. دانشجویان با سبک های هویت اطلاعاتی و هنجاری در مقایسه با دانشجویان با سبک های هویت سردرگم، در مقیاس های اهداف تحصیلی، واقع بینی، نقشه های طولانی مدت در باره زندگی و اهداف و روابط پایدار با همسالان خود نمرات بالاتری به دست می آورند.

اکثر پژوهش های صورت گرفته همسو با نتیجه این پژوهش است که رابطه بین سبک های هویت اطلاعاتی و هنجاری با خودکارآمدپنداری فردی و جمعی مستقیم است. بنابراین می توان نتیجه گرفت که به احتمال زیاد سبک های هویت اطلاعاتی و هنجاری پیش بین کننده مناسبی برای خودکارآمدپنداری فردی و جمعی هستند اما در کل، پژوهش به این حیطة کم اختصاص یافته و نیاز به تحقیقات بیشتری است.

در فرضیه دوم رابطه بین سبک های هویت اطلاعاتی و هنجاری با تعهد هویت مستقیم بود اما

معنادار نبود و فقط رابطه تعهد هویت با سبک هویت هنجاری در دانش آموزان افغانی معنادار بود. برزونسکی (۲۰۰۴) بیان می کند افرادی که بر سبک هویت اطلاعاتی و سبک هویت هنجاری تکیه می کنند، تعهدات هویتی قوی تر و روشن تری نسبت به افراد سردرگم/اجتنابی کسب کرده اند. گرچه استفاده از سبک های پردازش اطلاعاتی و هنجاری، هر دو با تعهد هویت همبستگی مثبت دارد، اما شکل گیری و ماندگاری این تعهدات، مبتنی به فرایندهای متفاوتی است. در جهت گیری هنجاری، ممکن است «تعهدات شناختی زودرس» شکل بگیرد تعهدات شناختی زودرس، بدون عملیات ذهنی و پردازش و ارزیابی اطلاعاتی شکل می گیرند: تعهدات بر پایه عواطف و با عمق کم بنا می شوند، در حالی که شواهد کمی از آن ها حمایت می کنند و آن ها را موجه نشان می دهند (نقل از حجازی و فرتاش، ۱۳۸۵).

در فرضیه سوم مشخص شد رابطه بین سبک هویت سردرگم با خودکارآمدپنداری فردی و جمعی و تعهد هویت منفی و معنادار است. برزونسکی (۲۰۰۴) بیان می کند کمبود تعهدات استوار در افراد سردرگم، آنان را در موقعیت آسیب پذیری قرار می دهد. نتایج پژوهش بزرگتری (۱۳۸۶) نشان داد، سبک هویت سردرگم با راهبردهای اسنادی و شناختی ناکارآمد، اجتناب از مواجه شدن با مشکلات، انتظار شکست و روش های نامناسب پرداختن به تکلیف، عزت نفس پایین، خودپنداره بی ثبات و نشانگان افسردگی همبستگی دارد. به نظر می رسد افرادی که از سبک هویت سردرگم برخوردار هستند به دلیل اجتناب از مواجه شدن با مشکلات، داشتن عزت نفس پایین و خودپنداره بی ثبات، دارای خودکارآمدپنداری فردی و جمعی و تعهد هویت پایینی هستند.

آزمون Z فیشر در فرضیه چهارم نشان داد، شدت همبستگی بین سبک هویت اطلاعاتی با خودکارآمدپنداری جمعی و سبک هویت هنجاری با خودکارآمدپنداری فردی و جمعی در دانش آموزان افغانی قوی تر از دانش آموزان ایرانی است. نوجوانان دارای پیشینه کم ارزش (گروه اقلیت)، طی دوره های شکل گیری هویت بار سنگینی را متحمل می شوند. در بین این گروه ها حمایت کلی اجتماعی بر اثر اکتشاف فعال کم است و این مانعی برای کسب هویت است. نوجوان دارای پیشینه قومی اقلیت، منابع کمکی (رسانه های جمعی و...) اندکی دارد و با تعارضات روان شناختی بزرگتری رو به رو می شود. برنامه های مدرسه اغلب می توانند کمک کننده باشند (شهرآرای، ۱۳۸۴). از طرف دیگر زندگی کردن به صورت یک فرهنگ اقلیت یا داشتن عضویت گروهی متضاد، الزاماً تاثیر نامطلوبی در تشکیل هویت ندارد (شولتز و شولتز، ۱۳۸۳).

یافته ها نشان می دهند که زمینه های اجتماعی تجربه های نوجوانان در تجربه روان شناختی بحران هویت نقش دارند. وقتی نوجوانان اقلیت های قومی از لحاظ روان شناختی و اجتماعی حمایت می شوند، مسائل دو گانه هویتی را حل می کنند. مطالعه درمورد مکزیک، ها، آسیایی ها، آفریقایی

سهراب عبدی زرین، نسترن ادیب راد، سید جلال یونسی و علی عسگری

های آمریکایی تبار در سنین دبیرستان و دانشگاهی نشان داد آن هایی که به طور موفق به هویت دست می یابند نمراتشان در چهار مقیاس سازگاری روان شناختی به طور معناداری بالاتر است (شهرآرای، ۱۳۸۴). زندگی در جوامع گسترده و پیچیده و نیز جزو اقلیت بودن بر جریان شکل گیری هویت تاثیر گذار است (حاجی، ۱۳۸۴).

در مطالعه مربوط به ۵۱۳ نوجوان مکزیکی الاصل که در ایالات متحده زندگی می کردند مشخص شد عوامل "بوم شناختی"، "اجتماعی شدن قومی خانواده"، و "خودمختاری" در کسب هویت قومی نوجوانان موثر است. همچنین اجتماعی شدن قومی خانواده، با کسب هویت قومی خانواده، رابطه مثبت معنادار داشت. این یافته ها پیشنهاد می کند که عوامل بوم شناختی به طور غیر مستقیم از طریق اجتماعی شدن قومی خانواده، در کسب هویت قومی موثر است (اوماناتیلور و فاین<sup>۱</sup>، ۲۰۰۴).

مطالعه مسلمانان پاکستانی مقیم انگلیس، الگویی از دو نسل متفاوت از هویت شهروندی را مشخص کرد، به گونه ای که نسل دوم با هویت انگلیسی قوی به عنوان شهروندان انگلیسی از حقوق طبیعی شهروند متولد انگلستان برخوردار بودند. در مقابل نسل اول که از پاکستان مهاجرت کرده بودند، هویت خود را به عنوان شهروند بیان می کردند به خاطر این که فرزندانشان انگلیسی هستند، یعنی در آن جا زندگی می کنند اما به کشور بیگانه تعلق ندارند (حاسین و باگولی<sup>۲</sup>، ۲۰۰۵).

به احتمال زیاد مهاجرت و از گروه های اقلیت بودن بر شکل گیری هویت در نوجوانان تاثیر منفی دارد. اما از طرف دیگر عواملی وجود دارند که می توانند این مسئله را تسهیل کنند که به آن ها اشاره شد، که شامل برنامه های مدرسه، حمایت های روان شناختی و اجتماعی، عوامل بوم شناختی و اجتماعی شدن قومی خانواده است. از طرف دیگر نتیجه این فرضیه با یافته حاسین و باگولی (۲۰۰۵) همسو است و به نظر می رسد دانش آموزان افغانی مورد مطالعه که در واقع نسل دوم هستند با فرهنگ و جامعه ایرانی منطبق شده اند. به طوری که طبق مدل جذب و دفع در مهاجرت، افغانی ها تحت تاثیر عوامل جاذب از جمله زبان و فرهنگ و دین مشترک و جز آن قرار گرفته اند و از سوی دیگر، طبق این الگو عوامل دافعه ای وجود ندارد که مانع جذب افغانی ها در جامعه ایرانی شود (جمشیدی ها و علی بابائی، ۱۳۸۱).

## منابع

احمدیان، طه. (۱۳۸۵). *رابطه خودکارآمدی، خلاقیت و رشته تحصیلی در دانش آموزان متوسطه نظری*، پایان نامه کارشناسی ارشد روان شناسی تربیتی، دانشکده علوم تربیتی و روان شناسی، دانشگاه شهید بهشتی، تهران.

1. Umana – Tailor & Fine

2. Hussain & Bagguley

فصلنامه روان شناسی کاربردی/ سال ۲/ شماره ۴ (۸)/ پاییز ۱۳۸۷

رابطه سبک های هویت و خودکارآمدپنداری فردی و جمعی:...

- برزگری، حشمت. (۱۳۸۶). بررسی رابطه باورهای جنسیتی و سبک های هویت با پیشرفت تحصیلی در دانش آموزان دختر و پسر پایه دوم دبیرستان های دولتی جنوب تهران، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشکده علوم تربیتی و روان شناسی، دانشگاه شهید بهشتی، تهران.
- حاجی، منصور. (۱۳۸۴). بررسی عوامل موثر بر شکل گیری وضعیت های هویتی در دانش آموزان متوسطه مهاباد در سال ۸۳-۱۳۸۲؛ پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشکده علوم تربیتی و روان شناسی، دانشگاه شهید بهشتی، تهران.
- حجازی، الهه، و فراتاش، سهیلا. (۱۳۸۵). تفاوت های جنسیتی در سبک های هویت، تعهد هویت و کیفیت دوستی، فصلنامه پژوهش زنان، دوره ۴، شماره ۳، پاییز ۱۳۸۵، ۶۱-۷۶.
- حجازی، الهه، فارسی نژاد، معصومه، و عسگری، علی. (۱۳۸۶). سبک های هویت و پیشرفت تحصیلی: نقش خودکارآمدپنداری تحصیلی، فصلنامه روان شناسی ۴۴، سال یازدهم، شماره ۴، زمستان ۱۳۸۶، صص ۴۱۳-۳۹۴.
- حسین نژاد، بیژن. (۱۳۸۵). رابطه هویت و پیشرفت تحصیلی در دانش آموزان ۱۸-۱۵ ساله، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشکده علوم تربیتی و روان شناسی، دانشگاه شهید بهشتی، تهران.
- جمشیدی ها، غلامرضا، علی بابائی، یحیی. (۱۳۸۱). بررسی عوامل موثر بر بازگشت مهاجرین افغانی با تکیه بر ساکنین شهرک گلشهر مشهد، نامه علوم اجتماعی، شماره ۲۰، پاییز و زمستان ۱۳۸۱، صص ۹۰-۷۱.
- جمشیدی ها، غلامرضا، و عنبری، موسی. (۱۳۸۳). تعلقات اجتماعی و اثرات آن بر بازگشت مهاجرین افغانی، نامه علوم اجتماعی، شماره ۲۳، خرداد ۱۳۸۳، صص ۶۸-۴۳.
- جوادی، رحم خدا. (۱۳۸۷). بررسی رابطه پایگاه هویت و روابط ولی - فرزندی در زنان معتاد و غیر معتاد استان تهران، طرح پژوهشی دانشگاه علوم بهزیستی و توانبخشی، تهران.
- خاکسار بلداجی، محمدعلی. (۱۳۸۴). رابطه سبک های یادگیری، خودکارآمدپنداری و رشته تحصیلی در دانش آموزان متوسطه نظری، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه شهید بهشتی، تهران.
- رحیمی نژاد، عباس. (۱۳۷۹). بررسی تحول هویت و رابطه آن با حرمت خود و حالت اضطراب در دانشجویان کارشناسی، رساله دکتری، دانشگاه تربیت مدرس، تهران.
- سجادی، سید مهدی. (۱۳۸۴). کثرت گرایی فرهنگی، هویت و تعلیم و تربیت، فصلنامه اندیشه های نوین تربیتی، شماره ۱، بهار، صص ۳۸-۲۵.
- شهرآرای، مهرناز. (۱۳۸۴). روان شناسی رشد نوجوان، نشر علمی، تهران.
- شولتز، دوان؛ شولتز، سیدنی آلن. (۱۳۸۳). نظریه های شخصیت؛ ترجمه سید محمدی، یحیی، نشر ویرایش، تهران.
- کوفن، بروس. (۱۳۷۹). مبانی جامعه شناسی؛ ترجمه غلامعباس توسلی و رضا فاضل. انتشارات سمت، تهران.
- گلاسر، ویلیام. (۱۳۸۰). مدارس بدون شکست؛ ترجمه حمزه سادات، انتشارات رشد، تهران.
- مرتضوی، شهرناز. (۱۳۸۰). آشنایی با روان شناسی بین فرهنگی؛ انتشارات دانشگاه شهید بهشتی، تهران.
- مرتضوی، شهرناز. (۱۳۸۴). ارتباطات خانوادگی، ارزش های فرهنگی و خودپنداره؛ گزارش فرصت مطالعاتی، دانشگاه شهید بهشتی، تهران.
- میرزاجانی، زهرا. (۱۳۸۶). رابطه کارکرد خانواده و سبک های هویت در دانش آموزان پایه سوم متوسطه شهرستان ساوه در سال تحصیلی ۸۶-۸۵، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه شهید بهشتی، تهران.
- نظری تاج ابادی، حمید، (۱۳۷۹). مسأله پناهندگی؛ نشر دفتر مطالعات سیاسی، تهران.
- وحیدی، پریدخت. (۱۳۸۴). مهاجرت بین المللی و پیامدهای آن؛ انتشارات وزارت برنامه و بودجه، تهران.

- Bandura, A. (2002). *Social cognitive theory in cultural context*; applied international review. Psychology: An
- Bandura, A. (1997). *Self – efficacy: The exercise of control*; New York: freeman.
- Bandura, A. (1980). Gating the relationship between self-efficacy judgment and action. *Cognitive therapy and research*; 4, 263-268.
- Berger, K. S. (2001). *The developing person through the life span*; New York: worth publishers.
- Berzonsky, M, D (1994). Self-identity: Relationship between process and content. *Journal of Research in Personality*, 28, 453-460.
- Berzonsky, M, D (2004). Identity style and coping strategies. *Journal of Personality*, 60,771-778
- Berzonsky, M. D. (1990). *Self-construction over the life-span: A process perspective on identity information*. In G. J. Neimeyer
- Berzonsky, M. D., & Kulk, L. S. (2000). Identity status and identity processing style, and the transition to university, *Journal of Adolescent Research*, 15(1), 81-98.
- Hussain. Y., & Bagguley. P (2005). Citizen ship, Ethnicity and Identity. *Sociology*, vol. 39, no. 3, 407-425.
- Umana – Tailor, A. J., & Fine M. A. (2004). Examining ethnic identity among Mexican-origin adolescents living in the United states, Hispanic. *journal of behavioral science*. vol. 26, 1, 36-45.